



اتحاد رمز پیروزی است!

هفت‌تپه و شارلاتان‌ها

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

آب در خوابگاه مورچگان!

آذر مدرسی

انتخاب جو بایدن و وعده بازگشت او به برج‌ها، باردیگر آب در خوابگاه مورچگان «پرو ترامپ» در اپوزیسیون ایران ریخت! طبق معمول کارزار عریضه نویسی از طرف طیفی موسوم به «دمکراسی خواهان»، «مدافعین حقوق بشر»، «میهن پرستان» و «فعالین مدنی» به راه افتاد. «کارزاری» برای ادامه سیاستهای «فشار حداکثری» و حمایت از «گذار خشونت پرهیز»! کارزاری به نام «ضدیت با حکومت آخوندی و فاسد»!



طیفی که بخش اعظم آن هرگز علاقه ای به ایجاد حزب و سازمان و انجمن و نهادی که بتوان بر مبنای سیاست‌ها و تصمیمات و موضع گیری‌ها و پلاتفرم‌های روشن آنها، حرکات تاریخی آن‌ها را مورد قضاوت و بررسی قرار دهد، را نداشته و ندارند. طیفی که هر از چند گاهی و بنا به اقتضای زمان حول «کارزاری» که میتواند به چیزی غیر از نام خود، تفسیر و تعبیر شود و عمل کند و بکار گرفته شود، جمع میشوند.

آخرین و شاید مهمترین شمشیرزن این کارزار آقای رضا پهلوی «رهبر معنوی» این طیف است. «شخصیت سیاسی» که در دل فعالیت «شبانه روزی» و «فشرده» ایشان هنوز کسی مطلقاً از ایشان حرف و صحبت صریحی در مورد حکومت مورد نظرشان، برای فردای ایران پس از جمهوری اسلامی، از نظر اقتصادی و سیاسی نشنیده است! ایشان بلافاصله پس از اعلام پیروزی بایدن، علاوه بر نوشتن عریضه، یک سلسله مصاحبه‌های «هشدار دهنده» علیه بازگشت به برج‌ها و ضرورت ادامه سیاست «فشار حداکثری» ترامپ، داشت تا برای طیف متحدش در دوره ترامپ، همچنان نقش رهبری خود را در دنیای سیاست پسا ترامپ هم ایفا کند. ... صفحه ۲

اطلاعیه‌های دفتر کردستان حزب:

اعدام «قتل عمد دولتی» و محکوم است

هزینه اعتراض به گرسنگی ۶ سال زندان است

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

hekmatist.com

۳۴۶ هفتگی



۱۸ فوریه ۲۰۲۱ - ۳۰ بهمن ۱۳۹۹
پنجشنبه‌ها منتشر میشود

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

خندق معیشت؛ خندق آخر!

کردستان عراق در منگنه دشمنان

مظفر محمدی

اخیرا اتفاقات پشت سرهم، همزمان و هماهنگی در کردستان عراق در جریان بوده است. پایگاه‌های متعدد نظامی ترکیه در خاک کردستان عراق و همکاری و رضایت حزب دمکرات کردستان «بارزانی»، به دولت اردوغان این فرصت را داده است تا عملیات گسترده ای علیه نیروهای حزب کارگران کردستان «پ ک ک» در کوهستان‌های شمال کردستان عراق انجام دهد. حملات نظامی که با محکومیت و نفرت عمومی مردم کردستان روبرو است. نتیجه این جنگ هر چه باشد، حضور ارتش ترکیه در خاک کردستان عراق عملاً به معنای اشغال نظامی این منطقه است. ... صفحه ۴

تبرئه ترامپ؛ استخوان لای زخم

فواد عبداللہی

مجلس سنای آمریکا با پایان رسیدگی به دومین پرونده استیضاح دونالد ترامپ، او را از اتهام «تحریک به شورش علیه نمادهای دموکراسی» تبرئه کرد. ترامپ در واکنش به تبرئه خود در مجلس سنا از این رای استقبال کرد و وعده داد که به دفاع از «عظمت آمریکا» ادامه خواهد داد.

واقعیت اینست که هیئت حاکمه آمریکا با سیاست یکی به نعل و یکی به میخ به منظور «پایان دادن به دودستگی» و کاهش شکاف در حاکمیت و فیصله دادن هرچه زودتر به این مخمصه، عجالتاً ترامپ را تبرئه کرد و خاکستری بر روی این آتش ریخت! هم حزب جمهوری خواهان و هم حزب دمکرات، به نفع‌شان بود که برای ممانعت از فشار و ساکت کردن مقطعی توده‌های مردم، تا اطلاع ثانوی به رقابت با هم بر سر صندلی قدرت پرهیز کنند و تصویر یکدستی از دولت جدید و حاکمیت سیاسی را به نمایش بگذارند. گرچه رای به تبرئه ترامپ در کوتاه‌مدت به مخمصه‌ای نفس‌گیر در هیئت حاکمه آمریکا پایان داد اما ... صفحه ۵

آزادی برابری حکومت کارگری

فاز بعدی تامین رهبری بر این طیف، همراهی با بخش «خوش خیم» و «معتبر» و «داخل کشوری» تر این طیف است. کسانی که حول «نامه ۳۸ فعال مدنی به بایدن» ابراز وجود کرده اند! نامه ای با تقاضای ادامه سیاست فشار حداکثری ترامپ و دفاع از جنبش «خشونت پرهیز» و «دمکراسی خواه» و عدم بازگشت به برجرام!

رضا پهلوی هم چون ۳۸ نفر امضا کننده نامه به بایدن خواهان حمایت بایدن از جنبش دمکراسی خواهی و حقوق بشری» و «خشونت پرهیز»، جنبشی که فقط در ادبیات و تبلیغات و باندبازی های دیپلماتیک این طیف موجود است، و ادامه فشارهای حداکثری سیاسی، دیپلماتیک و مالی بر رژیم و تبدیل آن به «حمایت حداکثری از جنبش دمکراتیک مردم» شده است.

چه کسی نمی داند که این تحرک هم، علیرغم بسته بندی شیک آن، در اصل علیه جنبشی آزادیخواهانه و مردمی است که برای معیشت و آزادی، برای رفاه همگانی و برابری، بورژوازی ایران را زیر فشار خود له کرده است. جنبشی از اعماق جامعه که گسترش روزانه آن و بویژه اعتبار و نفوذ سوسیالیستها و کمونیستها در آن، علاوه بر «اسلامی های» در حاکمیت، «میهن پرستان دمکراسی خواه» برون حکومتی را هم، دستپاچه کرده است. هر دو در مقابل با این جنبش یک هدف را تعقیب میکنند: حراست از نظم کاپیتالیستی و ضد انسانی حاکم و مقابله با خطر قدرتگیری طبقه کارگر و کمونیستها!

نه آقای پهلوی و نه «دمکراسی خواهان» و «حقوق بشری» های ما که دائما سنگ فقر و فلاکت و بی داری و ... مردم را به سینه میزنند و گاهگاهی مردم را به اعتراض «غیر خشونت آمیز» و «مدنی» علیه آن فرا میخوانند، از تاثیرات «سیاست موثر فشار حداکثری» و تحریمهای پی در پی ترامپ بر گسترش دامنه گرانی و تورم و بر گسترش بن بست اقتصادی جمهوری اسلامی که بلافاصله به تحمیل فقر و فلاکت بیشتر به میلیونها نفر در ایران تبدیل میشود، نمیگویند! هیچیک از تاثیرات این «سیاست موفق اما ناکافی» بر باز کردن دست جمهوری اسلامی در توجیه تورم و گرانی و در تحمیل فقر به طبقه کارگر، به بازنشستگان، پرستاران، معلمان و ... و در خریدن فرصت بیشتر برای مقابله با تحرک عظیم اعتراضی مردم علیه گرانی و فقر و برای معیشت، قلمفرسایی میکنند. «دمکراسی خواهان» وطنی پشت «موثر بودن این فشار بر رژیم» مخفی میشوند تا بتوانند تاثیرات عمیقتر، اساسی تر و بنیادی تر آن بر زندگی اکثریت «هم میهنان» خود را، قلم بگیرند! اما این فقط ظاهر مسئله است. فشارهای حداکثری، یا به زبان آدمیزاد ادامه و گسترش تحریمهای اقتصادی، دقیقا بدلیل تحمیل این فقر و فلاکت است، که مورد حمایت اینها است! هر دو شاخه این «میهن پرستان»، در صف آقای پهلوی و در کمپ «آیت الله» خامنه ای، بر پایه گسترش هرچه بیشتر فقر و فلاکت و به استیصال کشاندن هشتاد میلیون مردم ایران، استوار اند. یکی با شعار «مرگ بر آمریکا» و دیگری با شعار «زنده باد آمریکا!» قرار است فشار حداکثری و قدرت آمریکا در کمک به تشدید فقر و فلاکت و تبدیل زندگی به جهنم، مردم را به استیصال و رضایت دادن به هر جهنم و لجنی منجمله بازگشت به گذشته بکشاند! قرار است مردم از فرط نداری و فقر به «هر حکومتی» رضایت دهند! «هر حکومت» بعدی بهتر از حکومت امروز است، نسخه جعلی «هر حکومتی» بهتر از شاه است. مردم ایران محصول این فریبکاری را چهل سال تجربه کرده اند! زیر پوشش پر زرق و برق «کارآمدی فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی»، زیر لفاظی «حمایت از جنبش دمکراسی خواه و خشونت پرهیز» این واقعیتها سیاه و ضد انسانی، این دفاع از تحمیل فقر، این طرفداری آتشین از تحمیل استیصال و رضایت به هر کثافتی خوابیده است! زمانیکه آقای پهلوی و لشکر ارتجاعی و گذشته پرست «دمکراسی خواهان حقوق بشری»، در سوگ عدم انتخاب ترامپ نشسته بودند و با دوندگی در دالانهای مجلس سنا و کنگره آمریکا مشغول لایبسم و جمع آوری امضا علیه برجرام و ادامه سیاست تحمیل فقر به مردم در ایران بودند، کارگران هفت تپه، فولاد،

هپکو، پتروشیمی ها و ... علیه فقر و بیکاری و برای رفاه و معیشت در جدال بودند. همان روزها بازنشستگان شهرهای ایران را، با شعار «دیگر فقر را قبول نمیکنیم» به اشغال خود در آورده بودند. اعتراضاتی که همه عاملین تحمیل این فقر و فلاکت را از سران حاکمیت در ایران تا سران دول غربی و در راس آن «پرزیدنت ترامپ» و هوادارانش در اپوزیسیون را هدف تعرض و نفرت خود قرار داده اند. آقای پهلوی و لشکر «حقوق بشری» ها بازگشت به برجرام را بعنوان «سازش» هیئت حاکمه آمریکا با جمهوری اسلامی محکوم میکنند اما در واقع به امکان از دست رفتن مطلوبیت خود نزد هیئت حاکمه آمریکا، معترض اند. بازگشت به برجرام از نظر اینها یعنی «ارجحیت» بورژوازی حاکم به بورژوازی در اپوزیسیون و از دستور خارج شدن «رژیم چینج» و دخالت فعال آمریکا در دست بدست شدن قدرت از بالا! یعنی کور شدن افق «به جایی رسیدن» شان برای ادامه نظام، ادامه همین فقر و بیکاری و بی حقوقی اکثریت ۶۰ میلیون نفری که زیر خط فقر زندگی میکنند! برای طبقه کارگر ایران و میلیونها مردمی که زیر خط فقر زندگی میکنند، خواست تامین معیشت و رفاه «با برجرام یا بی برجرام» جدال همین امروز است.

«به جایی رسیدن» برای طبقه کارگر و اکثریت محرومی که به این طبقه چشم امید دوخته است نه در گرو برجرام یا «فشار حداکثری»، که در گرو گسترش جنبشی است که از سال ۹۶ شروع شده است. تلاشی که امروز از کارگران هفت تپه و نفت و فولاد تا بازنشستگان و معلمان و پرستاران و ... در جریان است. طیف آقای پهلوی، از نظر خصلت جنبش شان و طبقه شان، نه میخواهد و نه میتواند بر این صف و این جدال، لیدری کند و آن را رهبری کند! دست پدیمان ترامپ و بایدن شدن برای حمایت پیشگیرانه علیه این جنبش ناشی از این ناتوانی و بیگانگی است. اگر طبقه کارگر و لشکر میلیونی آن به چندرغاز بهبود اقتصادی و سیاسی رضایت میدادند، کماکان به اصلاح طلبان حکومتی، پاران امروز رضا پهلوی، دخیل می بستند و شعار «اصلاح طلب، اصولگرا دیگه تمومه ماجرا» را سر میدادند. اگر مردم آزادیخواه در ایران خواهان دخالت قدرتهای جهانی برای خلاصی از جمهوری اسلامی بودند، مانند آقای پهلوی خواهان حمله نظامی آمریکا به ایران «در شرایط اضطراری» میشدند، اگر طبقه کارگر در ایران خواهان فرزاندم و تغییر حکومت بورژوازی از معمم به مکلا بود، سالها پیش به فراخوان فرزاندم انتخابات آزاد شما جواب مثبت میدادند. این جنبش در دیماه ۹۶، در آبانماه ۹۸، در اعتراضات کارگری، در تجمعات بازنشستگان، در اعتراضات دانشجویی و ... به روشنی و صراحت به همه این «راه حل» ها نه گفته است. هراس «دمکراسی خواهان» ما، که تاریخا و سنتا مستبد ترین و خشونت آمیز ترین راهها را دنبال میکنند، از رشد همین جنبش است! نگران رشد و عروج جنبش عظیم ابراز قدرت و اعتراضی هستند که در بطن و اعماق جامعه غلیبان دارد! نگران اند که این قدرت در خلاء دخالت آمریکا، پیشروی کند و کار جمهوری اسلامی را در راستای منافع مردم ایران، یکسره کند!

هراس مشترک نویسندگان نامه و آقای پهلوی از جنبش رادیکال طبقه کارگر و محرومان جامعه است که نه فقط علیه «حکومت آخوندی»، که علیه بنیادهای اقتصادی، اجتماعی نظم موجود است. جنبشی که نبض آن نه با انتخاب بایدن و شکست ترامپ، نه با برجرام یا فشارهای حداکثری، نه با عریضه های «وطن پرستان دمکراسی خواه» و لایبسم آنها، که با نزدیک شدن و پیشروی شان در نزدیک کردن افق سرنگونی سیستم حاکم بدست خود و دستیابی شان به قدرت است. هراس از این جنبش البته نقطه اشتراک شاهزاده و بیت امام هم هست!

«اساس سوسیالیسم انسان است،

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است..»

مشور سرنگونی جمهوری اسلامی را به پرچم خود تبدیل کنید

هفت تپه و شارلاتان‌ها

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

کشمکش کارگران هفت تپه با اسد بیگی و حامیان او، دولت و ارگانهای مختلف حاکمیت، کماکان ادامه دارد. در ادامه این جدال اکنون پنج روز است فعالین کارگری هفت تپه در اداره کار شوش متحصن شده اند و خواهان جواب روشن به مطالبات خود هستند.

این روزها و پس از جلسه رسیدگی به خلع ید از اسد بیگی و اعلام غیر رسمی اینکه نمایندگان هر سه قوه نهایتاً خلع ید از اسد بیگی را قبول کرده اند، دوره ای دیگر از کشمکش کارگران با اسد بیگی که هنوز آزاد و حاکم بر منطقه است، رقم خورد.

با پخش خبر خلع ید، اسد بیگی و عوامل او زیر سایه حامیان در قدرت، دست به فروش شکر و اموال شرکت زدند که با اعتراض کارگران روبرو شد. همزمان اسد بیگی مانند همیشه به کمک بازوهای خود در حاکمیت یک شارلاتان بازی آشکار علیه فعالین کارگری را پیش برد. نهایتاً جدال میان کارگران هفت تپه و اسد بیگی، حاکمیت را وادار به تعیین «کمیسیون حل اختلاف» در اداره کار شوش کرد. طبق اخبار کارگران هفت تپه این کمیسیون به نفع کارگران رای داده است. اما اداره کار شوش از ابلاغ رسمی رای کمیسیون طفره می‌رود. فعالین کارگری خواهان اعلام نتیجه بررسی شکایت خود و ابلاغ نظر رسمی هیئت حل اختلاف هستند.

اینکه اسد بیگی بر خلاف تلاش جمهوری اسلامی ناچاراً به دادگاه کشیده شد، اینکه پرونده اختلاس بزرگ اسد بیگی و رشوه خواری مقامات دولتی به همت کارگران رو شد و دست و بال جمهوری اسلامی به عنوان حامی او بسته شد، اینکه قوه قضائیه و مرکز اطلاعات و مقامات جمهوری اسلامی در منطقه، ناچار به عقب نشینی و نوشیدن جام زهر شدند، و نهایتاً اینکه کمیسیون حل اختلاف اداره کار شوش مجبور به دادن رای به کارگران در این جدال شده است، همگی بلااستثنا با اعمال فشار کارگران هفت تپه به مقامات و ... تحمیل شده است. هیچ یک از این عقب نشینی ها، از پذیرش مطالبات کارگران حتی پرداخت حقوق ماهانه تا خلع ید از اسد بیگی بدون قدرت جمعی کارگران هفت تپه، بدون اتحاد عمیق کارگران و بدون حمایت بی قید و شرط آنان از نمایندگان واقعی خود ممکن نبود. کارگران هفت تپه در این جدال با مشتکی جنایتکار، با مشتکی حقه باز و توطئه گر ضد کارگر، با مشتکی شارلاتان که همگی نماینده تام الاختیار جمهوری اسلامی هستند، طرف بودند. ائتلافی ضد کارگری که همراه هر عقب نشینی نقشه توطئه بعدی علیه هفت تپه ای ها را در دستور کار میگذاشت و یک لحظه از مقابله بی رحمانه با کارگران برای ایجاد دلسردی در صفوفشان، برای ایجاد نفاق و شکست اتحادشان کوتاهی نکرده است. احضار علی نجاتی برای اجرای حکم ۵ سال زندانی که در پرونده دستگیرشدگان هفت تپه محتومه اعلام شد، تنها یکی از شگردهای کنیفشان است.

این جدال ادامه دارد، این حکم تاریخ در مبارزه بورژوازی حاکم و طبقه کارگر است. دستاوردهای کارگران هفت تپه که با تلاش جدی و قدرت متحد و جمعی آنها بدست آمده است، دستاوردهای طبقه کارگر ایران است. با هر گامی که کارگران هفت تپه به پیش برداشته اند و ارتجاع کاپیتالیستی و اسد بیگی های آنرا عقب رانده اند، جنبش کارگری ایران یک قدم به جلو برداشته است. از هفت تپه تا فولاد، از نفت و گاز و پتروشیمی ها تا هپکو و معادن و ماشین سازی ... جدالی برای رفاه و بهبود و تامین یک زندگی در شان انسان با بورژوازی در جریان است. در این جدال هفت تپه تنها نیست، تحصن امروز نمایندگان آنها در شوش مورد حمایت کارگران ایران است! هفت تپه نوک تیز پیکان طبقه کارگر علیه بورژوازی حاکم است. هفت تپه خاری در چشم دشمنان و نورچشم و نقطه امید محرومان در ایران است.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۷ فوریه ۲۰۲۱

اعدام «قتل عمد دولتی» و محکوم است!

طی چند روز گذشته از طرف شعبه یک دادگاه انقلاب سنجندج با ریاست قاضی سعیدی برای حسین کمانگر حکم اعدام صادر شده است. حسین کمانگر در دیماه سال ۹۷ از طرف نیروهای اطلاعاتی به جرم فعالیت سیاسی دستگیر و ماهها در این اداره برای اعتراف گیری زیر شکنجه بوده است. در دومین جلسه رسیدگی به اتهامات حسین کمانگر، قاضی سعیدی ایشان را به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی از طریق مبارزه مسلحانه» و «بغی» (قیام مسلحانه بر علیه حاکمیت اسلامی) به اعدام محکوم می کند. این حکم برای اعاده دادرسی به دیوان عالی کشور ارجاع داده شده است. این اولین بار نیست که جمهوری اسلامی فعالین سیاسی و اجتماعی را با اتهامات واهی به اعدام محکوم می کند. اتهاماتی که اساساً زیر شکنجه های وحشیانه و با اعتراف گیری زندانیان «تأیید» میشود. مردم آزادبخواه در کردستان با اعتراض و مبارزه متدانه خود به جمهوری اسلامی اجازه نخواهند داد فعالین اجتماعی را به جرم فعالیت و مبارزه سیاسی زندانی و به اعدام محکوم کند. با اتحاد و ایجاد صفی محکم در مقابل تعرض جمهوری اسلامی یکبار دیگر این رژیم را به زانو در خواهند آورد و تلاش حاکمیت برای زهر چشم گرفتن و مرعوب کردن را شکست خواهند داد. دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)، ضمن محکوم کردن حکم اعدام حسین کمانگر از طرف جمهوری اسلامی، مردم شهرهای کردستان را برای اعتراض و شرکت در کمپینهای اعتراضی بر علیه احکام صادره از طرف حاکمیت فرا می خواند. دفتر کردستان حزب، همراه با مردم آزادبخواه در صف مقدم مبارزه بر علیه حاکمیت بورژوازی است و در به ثمر رساندن این مبارزه متدانه تلاش خواهد کرد.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۷ فوریه ۲۰۲۱

هزینه اعتراض به گرسنگی ۶ سال زندان است

بر مبنای حکم دادگاهی در «اربیل» پایتخت حکومت کردی به پنج روزنامه نگار و فعال اجتماعی حکم ۶ سال زندان داده شده است. جرم این پنج روزنامه نگار و فعال مدنی دفاع از خواست و مطالبات مردم آزادبخواه و برابری طلبی بود که بر علیه فقر، فلاکت، فساد و ناکارآمدی حاکمیت به میدان آمده بودند. جرم آنها اعتراض به گرسنگی و فلاکت میلیونوی مردم تحت حاکمیت ناسیونالیستهای کرد بوده است. جرم آنها تلاش برای سازمان دادن صفی علیه عاملین گرسنگی و فلاکت مردم بوده است. در اقلیم کردستان اعتراض به گرسنگی ۶ سال زندان هزینه دارد. در اقلیم کردستان تنها برای تعرض علیه مردم و فساد و قتل جنایت و ایجاد حکومت وحشت و پلیسی «قانون» وجود دارد. برای سرکوب و ارباب، حکومت «احزاب کردی» ایلی در دست بردن به قوانین رژیم بعث ندارد و اتفاقاً اعتراضات دوره اخیر مردم در کردستان بستر مشترک تمام جریانات ناسیونالیست کردی با حکومتهای مستبد، فاشیستی و دیکتاتوری با قوانین یکسان شان را در ایجاد سرکوب و ارباب نشان داد. قوانین مدون در اقلیم کردستان هنوز همان قوانین رژیم بعث هستند و دست نخورده باقی مانده اند. دولت اقلیم کردستان به همان اندازه که در سرکوب هر صدای اعتراضی بی اما و اگر وارد میدان شده است، هر اندازه در بی جوابی به خواست و مطالبات معیشتی مردم، یکدست و سراسر است. در باز گذاشتن دست دول منطقه در دخالت و گسترش نا امنی در کردستان عراق نیز بی اما و اگر و سر راست عمل کرده است. امروز کردستان عراق به حیات خلوت دخالتها و زورآزماییهای های دول منطقه و از جمله حکومت مرکزی عراق تبدیل شده است. هرکدام از احزاب ناسیونالیست شریک در حکومت کردی نیز مهره و ابزار یکی از این دولتها هستند. سرزوش این احزاب و این حاکمیت در اساس از طرف حکومتهای منطقه است که تعیین می شود و آنچه اهمیت ندارد سرزوش و زندگی فلاکتبارمردم برای این احزاب است. اینها مردم تحت حاکمیت این احزاب سالها است تجربه کرده اند و امروز علیه آن به پا خاسته اند. امروز که دیگر حربه «دولت خودی»، «حکومت کردی» با رئیس جمهوری و نمایندگان و قاضی و زندانیان و جلا و ... کرد، از کار افتاده است، امروز که دیگر مردم کردستان علناً نفرت خود را از این «دولت خودی کرد» اعلام کرده اند و علیه حاکمان فاسد به میدان آمده اند، حکومت اقلیم دستگاه سرکوب و زندان خود را به کار انداخته و یا در خیابانها به معترضین شلیک میکند یا در بیدادگاههای خود معترضین را به زندان محکوم میکند. احکام زندان برای پنج نفر از دستگیر شدگان اعتراضات اخیر بخشی از سیاست ایجاد ارباب و وحشت و برای زهر چشم گرفتن و مرعوب کردن مردم معترض کردستان است. سیاستی که از قبل شکست خورده است. دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) همراه با جامعه و مردم کردستان عراق احکام زندان فعالین و معترضین در بند حکومت اقلیم کردستان را به شدت محکوم می کند و خواهان آزادی فوری پنج فعال مدنی و روزنامه نگار و تمام دستگیر شدگان اعتراضات اخیر است. دفتر کردستان در جواب به فراخوان «کمپین» اعتراضی در داخل و خارج کردستان از طرف «حزب کمونیست کارگری کردستان» برای آزادی تمام دستگیر شدگان اعتراضات اخیر، کمونیستها و مردم کردستان را فرا می خواند که با صفی متحد و اعتراضی حکومت اقلیم را وادار به عقب نشینی کنند.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۷ فوریه ۲۰۲۱

مجمع عمومی نماینده مستقیم کارگران

تبانی دولت ترکیه و حزب بارزانی به بهانه حضور نیروهای پ ک ک در این منطقه عوارض سنگین جانی و مالی برای مردم کردستان عراق در پی داشته است. از طرف دیگر با تبدیل شدن بخش شمالی کردستان عراق به میدان جنگ و تاخت و تاز ارتش ترکیه، دولت مرکزی عراق هم فرصت یافته تا نیروهای خود را در مناطق مرزی و شهرهای شمالی از جمله شنگلان مستقر کند. ... صفحه ۴

اما این هنوز تمام ماجرا نیست. جمهوری اسلامی هم در این سناریوی تبهکارانه سهم بسزایی دارد. علاوه بر حضور نیروهای نیابتی حشد شعبی، کتائب حزب الله، عصائب اهل حق و دیگر گروه های ترور و مزدور جمهوری اسلامی در مرکز و جنوب عراق و ایفای نقش در سرهم بندی کردن حکومت قومی و مذهبی در بغداد، در کردستان هم نقش مخرب خود را بازی کرده و می کند. اگر مناطق تحت نفوذ حزب بارزانی محل جولان نظامی و امنیتی ارتش و سازمان امنیت «میت» ترکیه است، منطقه ی سبز اتحادیه میهنی هم محل تاخت و تاز قرارگاه رمضان و اطلاعات سپاه پاسداران جمهوری اسلامی است.

سفر ابراهیم ریسی، رییس قوه قضائیه به بغداد و در خواست استرداد پناهندگان و فراریان ایرانی از خطر دستگیری و شکنجه و اعدام، عملاً رابطه جمهوری اسلامی با دولت قومی - مذهبی مرکزی و احزاب حاکم اقلیم کردستان گامی فراتر رفته است. اگر زمانی ماموران اطلاعاتی و جاسوسان مزدور جمهوری اسلامی، مخفیانه ایرانیان مقیم کردستان عراق را ترور می کردند، حالا این وظیفه را بطور علنی و رسمی برهم صالح رییس جمهور عراق و به تبع آن احزاب حاکم در کردستان برعهده دارند.

فراموش نشده است که در دوره قبل، مجلس فاسد عراق به خلع سلاح اپوزیسیون جمهوری اسلامی مستقر در کردستان عراق رای داد. بعلاوه، سفر ریسی به عراق می تواند زمینه ی تعرض دیگر به اپوزیسیون مستقر در کردستان و زمین گیر کردن آن ها را در پی داشته باشد. در مقابل این مخاطرات، احزاب اپوزیسیون جمهوری اسلامی مستقر در کردستان عراق وظیفه ی انسانی دفاع از جان و امنیت مخالفان رژیم و فراریان از سرکوب در کردستان عراق را برعهده دارند.

از جمله اقدامات مجرمانه ی جدید، نمایش بیشترانه ی بیش از هزار دختر با حجاب اسلامی به مناسبت انقلاب ۵۷ ایران در شهر حلبچه کردستان عراق است. این نمایش ضد بشری و قرون وسطایی از طریق احزاب اسلامی کردستان عراق با حمایت و دخالت جمهوری اسلامی به عمل آمده است. این در حالی است که حجاب اجباری جمهوری اسلامی در ایران و کردستان با نفرت و انزجار عمومی روبرو است. در صفوف خود نظام هم اعتراف به شکست این روش فاشیستی- اسلامی ضد زن، اعتراف شده است. حجاب اسلامی که در ایران با شکست مواجه شده و مراحل پایانی خود را می گذراند، اکنون می رود تا در کردستان عراق پایه گذاری و آغاز گردد.

احزاب ملیشویایی کردستان که خود مدافع دخالت مذهب در زندگی مردم اند، دست اسلاميون ضد زن را برای کشتن زنان باز گذاشته است. آمار کشتار زنان در کردستان عراق سرسام آور و تکاندهنده است.

مردم متمدن و ازادبخواه کردستان ایران می توانند جلو این تعرض کثیف ضد کودک و ضد زن را گرفته و درنطفه خفه کنند.

مردم شرافتمند نباید بگذارند کودکان دخترشان به عنوان برده های اسلامی و راه و روش های ارتجاعی و قرون وسطایی به نمایش گذاشته شوند. زنان و مردان و مادران و پدران می توانند و باید از حرمت و کرامت انسانی خود و کودکانشان در مقابل تعرض اسلاميون متحجر و وحشی دفاع کنند! سرنوشت کودکان و دختران را نباید به دست های سیاه و فاسد اسلاميون مرتجع و ضد زن و ضد انسان سپرد!

کل این تحولات سناریوی سیاهی در عراق و کردستان، در وهله اول پدیده ای به نام دولت اقلیم را بی خاصیت تر از همیشه کرده است. اولین ضربه را ارتش عراق و حشد شعبی جمهوری اسلامی با اشغال بیش از یک سوم کردستان از جمله شهرهای بزرگ کرکوک نفت خیز و خانقین و غیره در سال ۹۶ به موجودیت متزلزل اقلیم کردستان زد. این اتفاق بار دیگر واقعیت ارتجاعی و ناپایدار بودن پدیده ی فدرالیسم در عراق را نشان داد.

استقرار پایگاه های نظامی متعدد ترکیه در خاک کردستان عراق و کشاندن جنگ علیه پ ک ک به شهرها و روستاها و مناطق زندگی مردم از طرفی و اعزام حشد شعبی و ارتش عراق به مناطق جدیدتر کردستان از جمله مرزها و منطقه سنجان

«شنگلان» عملاً به معنای انحلال اقلیم کردستان در چهارچوب دولت فدرال عراق و تیر خلاص به پروژه و راه حل فدرالیسم قومی است. خواست و ادعای جناحی در درون اتحادیه میهنی مبنی بر الحاق مجدد این منطقه به عراق، شاهد دیگری بر پوچ بودن فدرالیسم و پایان آن است.

واقعیت این است که در تبدیل کردستان به منطقه و جولانگاه نیروهای نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی، دولت ترکیه و حکومت مرکزی عراق، این احزاب ملیشویایی کرد نیستند که در منگنه و تحت فشار قرار می گیرند، بلکه اکثریت مردم کردستان است که در محاصره سیاسی، نظامی و اقتصادی احزاب مسلح حاکم، دول همسایه در شمال و جنوب و دولت مرکزی عراق قرار گرفته است. مردمی که علاوه بر تلفات جانی و خسارت مالی، دچار فقر و گرسنگی بیشتر شده و سرنوشت آزادی و رفاه و امنیت شان در دست بازیگران جنایتکار صحنه کردستان از قبیل ترکیه، جمهوری اسلامی و حشد شعبی اش و دولت مرکزی عراق قرار گرفته است.

احزاب مسلح کردی، کماکان چه در جنگ و چه در صلح منابع و ذخیره های ثروت کردستان را در اختیار دارند و با نیروی مسلح ویژه خود از این منافع حفاظت می کنند. منافعی که دوام آن به مزدوری و سرسپردگی این احزاب به دول منطقه بخصوص دولت ترکیه و جمهوری اسلامی وابسته است. احزاب ملیشویایی کردستان عراق برای جلب حمایت این دولت ها ناچار و ملزم اند که آن ها را در ثروت و داراییهای کردستان از جمله نفت ارزان و واگذار کردن بازار کردستان به تصرف واردات کالاهای ایرانی و ترکیه شریک کنند. از طرف دیگر دست جاسوسان و تروریست های اطلاعات سپاه جمهوری اسلامی و میت ترکیه را برای سرکوب مخالفانشان باز بگذارند و منطقه کردستان را به جولانگاه حشد شعبی و سپاه قدس جمهوری اسلامی در جنوب و ارتش ترکیه در شمال تبدیل کنند.

با همه ی دلایل فوق، کارگران و زحمتکشان و مردم ازادبخواه کردستان، وظایف سنگینی در قبال سناریوی احزاب ملیشویایی حاکم و حامیانشان در میان دول همسایه چون ترکیه و جمهوری اسلامی و تعرض مداوم دولت مرکزی برای پایمال کردن حقوق مردم بر عهده دارند. از جمله،

- کوتاه کردن دست دول منطقه از حمایت و سرپا نگه داشتن احزاب ناسیونالیست و مذهبی کردستان، گامی اساسی و به جلو در مبارزات مردم کردستان برای رهایی از فقر و گرسنگی و کسب آزادی و رفاه و امنیت است.
- خواست خروج فوری نیروهای ترکیه از کردستان عراق و پایان دادن به دخالت سپاه قدس و مزدوران محلی اش در زندگی مردم یک خواست فوری و برحق است.
- رای مردم کردستان به جدایی از فدرالیسم شکست خورده و خواست تشکیل دولت مستقل و آزاد تحت اداره ی مستقیم کارگران و مردم از پایین، خواستی عادلانه و برحق است.

کردستان عراق در چهارچوب دولت قومی - مذهبی عراق تحت نام فدرالیسم و زیر سلطه ی احزاب ملیشویایی آویزان به دول منطقه و آماده ی فروش کردستان به دولت مرتجع مرکزی عراق در قبال حفظ موجودیت فاسدشان در قدرت و غارت ثروت جامعه، هیچ شانسی برای نفس کشیدن آزاد و تامین آزادی و رفاه و خوشبختی ندارد.

مردم بپاخاسته ی عراق و کردستان بارها در تظاهرات و تجمعات گسترده خواهان انحلال دولت قومی- مذهبی عراق، خلع سلاح حشد شعبی و مزدوران نیابتی جمهوری اسلامی و ماموران سرکوب مردم معترض، خلع ید احزاب حاکم در کردستان عراق و برقراری جامعه ای آزاد و برابر و مرفه و امن برای زندگی میلیون ها کارگر و زحمتکش و زنان و کودکان عراق و کردستان، شده اند. سرنوشت آزادی و امنیت و رفاه مردم عراق و کردستان در همبستگی مبارزاتی و همسرنوشتی سراسری است.

حکمتیست را توزیع

و پخش کنید!

نه قومی نه مذهبی زنده باد همبیت انسانی

شرایط حاکی از آن است که هیچ تضمینی نیست که این غده بدخیم یا بازمانده‌ای از آن دوباره از درون ساختار حاکمیت سر بر نیآورد و شکاف به وجود آمده را هرچه عمیق‌تر نسازد. از این نقطه نظر، کاملاً معلوم بود که طلوع رئیس‌جمهوری که در غیاب چپ و با تکیه بر نیروی راست افراطی به قدرت رسید و از نوازش «شیرین» دموکراسی پارلمانی محروم شد، غروب «آرام» و «سنتی» هم نخواهد داشت.

ثانیاً، مشکل بنیادی بر سر بود و نبود شخص ترامپ نیست. ترامپ در میان هیئت حاکمه آمریکا، نماینده جناحی از بورژوازی افراطی و عقبمانده است که اساساً به دلیل ناتوانی و بن‌بست سیاسی دو حزب اصلی و نمایندگان منافع طبقه‌اش در پارلمان، در مقابل «خطر» عروج چپ در صحنه سیاست مجبور به «ساختارشکنی» شد و با پرچم بازگرداندن اعتماد به نفس به «سفید آمریکایی» و «Redneck» مسیحی و ضد کمونیست، پا به میدان سیاست گذاشت. هدف ترامپ حالی کردن هر دو حزب و نمایندگان بورژوازی آمریکا به این نکته خطیر و مهم بود که اعتماد به احزاب سنتی در جامعه آمریکا رو به فروپاشی است و شرایط در پایین جامعه برای عبور از خط قرمزهای حاکمیت مهیاست؛ بنابراین راهی جز توسل به درجه‌ای از ساختارشکنی با پرچم راست افراطی نداشت. از تغییر جغرافیای پایتخت اسرائیل و «معامله قرن» پیرامون مسئله فلسطین تا برخورد ارتجاعی «محللی و ملی» به بحران جهانی کرونا و تقابل با سازمان بهداشت جهانی و تا حمله طرفدارانش به کنگره آمریکا پس از شکست در انتخابات، همه و همه در راستای تفهیم «خطر» فشار پایین به هیئت حاکمه آمریکا بود. «حمله به نمادهای دموکراسی» با پرچم راست افراطی بیش از آنکه نشان «دوران‌اندیشی» ترامپ و قدرت بازوی طرفدارانش باشد، علامت این حقیقت بود که مقابله با موانع ایمن‌سازی رهبری بورژوازی در آمریکا، بیش از این نه توسط انتخابات و بازی‌های پارلمانی و قانونی و فس‌فس کردن احزاب سنتی حاکم، بلکه ادامه هژمونی سیاسی و «اعتبار» این طبقه جز به زور قلندری در سیاست داخلی و گردن‌کشی در سیاست بین‌المللی ممکن نیست. ترامپ به خوبی می‌داند که فشار پایین کماکان می‌تواند بالا را بر سرشان خراب کند. می‌فهمد که باید با پرچم راست، تفریط کرد تا پایین را به درجاتی کنترل کرد. در غیر این صورت «زیاده‌خواهی» لشکر محرومان از پایین با پرچم چپ برای حل تناقضات کاپیتالیسم و اقتصاد بحرانی آن، روبنای حاکمیت سیاسی بورژوازی را دگرگون می‌کند.

نهایتاً، انعکاس تبرئه ترامپ در جامعه آمریکا و نزد افکار عمومی در جهان مانند یک تیغ دو لبه عمل می‌کند. از یک طرف ریاکاری و تابیلوی «عبور ممنوع» دموکراسی پارلمانی از خط قرمزهایش را به طور ملموسی به نمایش گذاشت؛ و از سوی دیگر، شکل متفاوتی از دخالت سیاسی و ابراز وجود به طور غیرمستقیم را «مجاز» اعلام کرده است! این پیامدهای میراث تبرئه ترامپ برای «دموکراسی غربی» و کل هیئت حاکمه آمریکاست. سیر عبور از خیمه‌شب‌بازی دموکراسی پارلمانی از آمریکا تا اروپا در جریان است. مردم چاره‌ای جز دست‌بردن مستقیم به قدرت خود، به تشکل و احزاب و ابزار خود، برای پایان دادن به مصائب گریبان‌گیر خود در جامعه آمریکا و جهان سرمایه‌داری ندارند. هر دو حزب پارلمانی در آمریکا پس از فاجعه عروج و افول ترامپ، تاریخ مصرف‌شان به سر رسیده است و بیش از این قادر به حفظ انسجام و اعتماد در مقابل توده مردم عاصی نیستند. معضل اساسی هیئت حاکمه آمریکا، جامعه از هم گسیخته‌ای است که از بالا تا پایین دچار شکاف و بحران سیاسی شده است. مشکل بن‌بست «دموکراسی بازار» و احزاب سنتی و «سانتر» در پاسخ به مسئله امنیت و رفاه و توقعات فروگفته میلیون‌ها انسان در جامعه آمریکاست. شعله‌های خشم و اعتراض به نژادپرستی سیستماتیک، به تبعیض و فقر، بی‌اعتمادی وسیع به ساختار سنتی و حاکم در آمریکا را نمی‌توان در چهارچوب استیضاح یا تبرئه ترامپ کنترل کرد. از این نقطه نظر، هر دو حزب در روندهای آتی و در پیچ‌تقابل با عروج چپ و طبقه‌کارگر در جامعه آمریکا، تردیدی در بازنگاه‌داشتن و شل‌کردن قلاده نیروهای ترامپیست و راست افراطی ندارند. حزب دمکرات و لیجندهای بایدن قادر نیست پاسخگوی مسائل و معضلات هیئت حاکمه آمریکا در جامعه‌ای باشد که سیاست، همگانی شده است و کنترل آن از دست دموکراسی پارلمانی در رفته است. امروز بیش از همیشه جامعه آمریکا و جنبش عدالت‌خواهانه عظیمی که در اعماق آن جریان دارد، می‌تواند با عروج احزاب نوین چپ، با عروج گرایش رادیکال سوسیالیستی طبقه کارگر، سرآغاز یک تحول بنیادی در آمریکا و به این اعتبار در جهان، برای جارو کردن کل روبنای سیاسی حاکم باشد.

خندق معیشت! خندق آخر

در حالی که رسانه‌های فارسی زبان تمرکز ویژه‌ای روی انتخابات ۱۴۰۰ و بازی موش و گربه ایران-آمریکا پیرامون مذاکرات شان دارند، اما نگاهی گذرا به جامعه و خروش هر روزه پائینی‌ها علیه بالایی در سرتاسر ایران حاکی از واقعیت دیگری است.

گزارش‌ها از ایران حاکی است که امروز یکشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۹۹، بار دیگر شماری از بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی در شهرهای ایلام، نیشابور، کرج، شیراز، اصفهان، یزد، اراک، اردبیل، کرمان، سنج، قزوین، تبریز و خرم‌آباد، در مقابل ساختمان اداره کل تامین اجتماعی شهر خود، تجمعات اعتراضی وسیع برپا کردند. بازنشستگان معترض برای چندمین بار و متحدانه مطالبات خود را بصورت فشرده اعلام کرده‌اند. اعتراض به خطر فقر مطلق و افزایش مستمری‌های دریافتی در موازات خط فقر، اجرای قانون همسان سازی حقوق، پرداخت بیمه بیکاری مکفی و اعتراض علیه گرانی، بیکاری و فلاکت سرلوحه کيفرخواست این بخش از طبقه کارگر ایران است.

واقعیت اینست که سیمای امروز ایران، از جنوب تا شمال و از غرب تا شرق را جنگ و کشمکش بر سر اقتصاد و معیشت و زندگی رقم می‌زند. این عطش اردوی کار به رفاه، به رهایی از بختک فقر و نابرابری در برابر سرنیزه اردوی طبقه حاکم در ایران است که از دولت و نهادهای سرکوبگرش تا مجلس و قوه قضائیه را آچمز کرده است و فروکش نمی‌کند. بازی جمهوری اسلامی با معیشت و سرنوشت میلیون‌ها انسان در جامعه ایران، جایی برای دامن زدن به توهم به این نظام و «نقطه تعادل» در مذاکرات با آمریکا باقی نمی‌گذارد. وحشت جمهوری اسلامی از سنگر معیشت و مقاومت توده‌ای طبقه کارگر و محرومان جامعه واقعی است. مدت‌ها است «فرصت» نظام تمام شده است؛ نه بهانه «تحریم اقتصادی» و نه «بازگشت به برجام» و نه هیچ مذاکره و بند و بست در بالا قادر نیست سپهر «بلا»ی هجوم لشکر طبقه کارگر به قلعه حاکمان باشد. این واقعیت بنیادین اقتصادی و نبرد آشکار طبقاتی به ناگزیر قالب سیاسی هر معامله و دیپلماسی حاکمیت که در خدمت به ادامه وضع موجود باشد را می‌شکند و بیش از این جایی برای مانور سیاسی و دیپلماسی پشت پرده باقی نمی‌گذارد.

تا کی می‌توان به بهانه «رفع تحریم‌ها» و جنگ و مرافعه با آمریکا، وقت و فرصت خرید؟! تا کی از این خندق به آن خندق می‌توان رگبار کرد و گریخت و مردم را به «جنگ با دشمن خارجی» مجاب کرد؟! تا کی می‌توان همزمان هم استبداد سیاسی را تحمیل کرد و هم فلاکت اقتصادی را؟! تا کی می‌توان ۸۰ میلیون انسان تشنه برابری و آزادی را در زندانی به وسعت ایران سرکوب کرد؟! تا کی می‌توان نیمی از جمعیت را تنها به حکم زن بودن شهروند درجه دو بحساب آورد؟! چگونه می‌توان نسلی که از دیماه ۹۶ حکم به عبور از هر دو بال نظام داده‌اند و بیش از این تره برای توجیهات حاکمیت خورد نمی‌کنند و مترصد انداختن نظام از اریکه قدرت‌اند، را مرعوب کرد؟! چطور می‌توان «خطر» کارگر آگاه و کمونیست از هفت تپه و فولاد و هپکو و بازنشستگان تا کردستان و ماهشهر و پتروشیمی‌ها و عسلویه را پشت سر گذاشت؟! خیلی ساده، نمی‌شود! سرنوختی جمهوری اسلامی شروع انقلاب دیگری است؛ انقلاب کارگری! انقلاب علیه فقر و نابرابری و بیکاری! طبقه کارگر در ایران می‌رود که تکلیف کل اردوی ارتجاع، با همه دستگاه‌های تبلیغاتی‌اش، حامیان بین‌المللی‌اش، ارتش و سپاه و اوباشش، سرنیزه‌ها و شلاق‌ها و عمامه‌هایش، را بسرعت یکسره کند. اردوی آزادی و برابری و رهایی در ایران چشم به طبقه کارگر دوخته است. زمان برای وسیع‌ترین و قاطعانه‌ترین دخالت طبقه کارگر در صحنه سیاسی ایران فرا رسیده است. سران نظام مدت‌ها است متوجه «خطر» ظهور سیاسی طبقه کارگر شده‌اند! امروز همه جناح‌های جمهوری اسلامی، که در این وانفاسی حاکمیت شان زیر بغل یکدیگر را گرفته‌اند تا زمین نخورند، در برابر پرچم سرخ اداره شورایی و عدالت اجتماعی به دست و پا زدن افتاده‌اند.

حزب کمونیست کارگری - حکمیتست (خط رسمی)

۱۴ فوریه ۲۰۲۱ - ۲۶ بهمن ۱۳۹۹

بیانیه حقوق‌جماشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراهاست

hekmatist.com



تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti@gmail.com

جنبش شورایی و مجامع عمومی کارگری



یک فعال جنبش شوراها از
کردستان عراق سخن می گوید،
یادداشت‌هایی در باره یک قیام،
یک پیروزی و یک شکست.



مظفر محمدی

حکمتیست هفتگه

سر دبیر: فواد عبداللهی

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!